ایام
HISTORY
۱۵
پنجشنبه ۲ آذر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۴۰

کتابشناسی ماجرای مک فارلین

افتضاح سیاسی موسوم به «مک فارلین» یا به قول آمریکایی‌ها «ایران-کنترا » در نوامبر ۱۹۸۶ و به دنبال اقدامات پنهان دولت رونالد ریگان فاش شد.

در این ماجرا که با هدف گسترش روابط ایران و آمریکا صورت گرفت، با مداخله رژیم صهیونیستی ، محموله‌هایی از سلاح به ایران تحویل می گردید که مسئولان پس از مطلع شدن از این ماجرا و با مشورت امام خمینی از دیدار راهیان آمریکایی در تهران امتناع کرده و این هیات از ایران رفتند.

مهم‌ترین کتاب‌هایی که تاکنون درباره ماجرای مك فارلین منتشر شده، عبارتند از:

- ماجرای مک‌فارلین؛اقدام آمریکابرای ارتباط باایران/مهدی انصاری، یحیی فوزی، علیرضا لطفا... زادگان / مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی/۱۳۷۹.
- ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح، آزادی گروگان‌ها، محسن هاشمی، حبیبا... حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب/
- مک‌فارلین، فاطمه علیزاده،موسسه انتشاراتی روزنامه ایران/
- **اوج دفاع:** کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی(سال ۱۳۶۵)/به اهتمام عماد هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب.



بررسی علل و عوامل شکل گیری ماجرای مک فارلین در دهه ۶۰

رازبزرگ مک‌فارلین



۲۹ آبان ۱۳۶۵ سالروز میلاد رسول اکرم(ص) و امام جعفرصادق(ع)امام خمینی(ره)در دیدار با مردم، یعنی در فردای روزی که سوالات هشت نماینده مجلس در مورد ماجرای حضور مک فارلین در ایران، سخنانی را ایراد فرمودند: «...آنهایی که می‌گفتند ما چه می‌کنیم و قطع رابطه می‌کنیم و از این مسائل می‌گفتند، امروز معلوم شد که با عجز و ناله در پیشگاه این ملت آمده‌اند و می‌خواهند رابطه برقرار کنند، می‌خواهند عذر تقصیر بخواهند و ملت ما قبول نمی‌کند. این یک مسأله است؛ مسأله‌ای است که از تمام پیروزی‌ها بالاتر است.»

ریشه‌های آغاز ماجرا

پیروزی انقلاب اسلامی مبانی و موازین حاکم بر سیاست و روابط خارجی ایران را در سطح منطقه و بین‌الملل دگرگون کرد. یکی از مهم‌ترین چرخش‌های سیاست خارجی ایران بی‌شک تغییر نوع روابط ایران و آمریکا بود. سابقه آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲علیه دولت مصدق و حمایت‌های بی‌پایان آنها از شاه باعث شکل‌گیری بدبینی نسبت به دولت آمریکا در بدنه مردم و مسئولان انقلاب اسلامی شده‌بود. به همین دلیل بود که در ۱۳ آبان ۵۸ سفارت آمریکا در ایران به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تسخیر شد. آمریکا نیز با بلوکه کردن تمام اموال دولت ایران در آن کشور با تحریم تجاری و قطع روابط دیپلماتیک واکنش نشان داد. در این میان آمریکا هرگونه فروش سلاح را به ایران ممنوع کرد و حتی از ارسال محموله‌های نظامی که دولت پیشین ایران خریداری کرده و بهای آن را هم پرداخت کرده‌بود، ممانعت به عمل آورد.

در ۲۹ دی۵۹ بسیاری از محدودیت‌های ایجاد شده از سوی آمریکا به‌عنوان بخشی از شروط دولت ایران که منجر به رهایی گروگان‌های آمریکایی شد، منتفی گردید اما این امر شامل رفع تحریم ارسال تسلیحات به ایران نمی‌شد.

سال ۶۴ با وضعیتی که در جبهه‌های جنگ به وجود آمده‌بود، ضرورت داشت که ایران یک تغییر عمده در سرنوشت جنگ به وجود بیاورد. فروش تانک‌های تی۷۴ توسط شوروی به حکومت صدام و از سوی دیگر تجهیز نیروی هوایی عراق با تسلیحات مدرن، کاری کرد که عملا ایرانی‌ها بعد از چند سال جنگ دیگر سلاح‌های عراقی را نمی‌شناختند و باید از نو جزئیات مقابله با آنها را یاد می‌گرفتند. سلاح‌های آن زمان ایران نیز دیگر به کار نمی‌آمد. بنابراین ایران احتیاج داشت پدافندش را مدرن کند تا بتواند از کشور دفاع کند. ایران در شرایط حساس جنگ و تحریم تسلیحاتی ناجوانمردانه آمریکا در بازارهای بین‌المللی به‌دنبال تسلیحات و به‌ویژه اقلامی مانند موشک‌های تاو بود.

بحران گروگانگیری در لبنان

در آن شرایط بحرانی تحریم تسلیحاتی ایران، هفت مامور امنیتی و سیاسی غربی ازجمله آمریکایی‌ها طی هفت حادثه بین مارس ۱۹۸۴تا ژوئن ۱۹۸۵ در بیروت به گروگان گرفته شدند. یکی از ربوده شدگان ویلیام باکلی، رئیس سیا در بیروت بود که به‌عنوان کارمند دیپلماتیک انجام وظیفه می‌کرد. نهادهای امنیتی آمریکایی بر این باور بودند که گروگان‌ها در اختیار افرادی هستند که متاثر از انقلاب اسلامی ایران بودند.اتفاق مهم دیگر این بود که در خرداد۱۳۶۴ دو لبنانی هواپیمای پرواز شرکت «تی. دبلیو.ای» را در مسیر آتن.رم را ربوده و خلبان را مجبور کردند که در فرودگاه بیروت بر زمین بنشیند. در جریان حل بحران، اقدامات دولت ایران را نمی‌شد نادیده گرفت. به‌ویژه در سفر هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به سوریه و لبنان کمک مؤثری برای حل مشکل گروگان‌ها صورت گرفت. وقایع یادشده توجه دوباره برخی دولتمردان آمریکایی را به ایران جلب کرد. دولت ریگان در پی یافتن راهکارهایی بود تا مسأله گروگانگیری و بحران ناشی از آن را حل کند و افکار عمومی آمریکا را که در آستانه انتخابات کنگره نیز قرار گرفته‌بود، آرام کند. در همین راستا یعنی مساعدت ایران برای آزادی گروگان‌ها نیز از طریق ژاپن و پاکستان اقداماتی شده‌بود اما امریکا سیاست روشنی در این رابطه نداشت. اولین جرقه‌های شکل‌گیری درخواست آمریکایی‌ها برای کمک به آزادی گروگان‌ها مطرح می‌شود. هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های ۵ فروردین ۶۴ می‌نویسد: «پیش از ظهر احمد آقا [خمینی] آمد گفت که بعضی از رسانه‌ها گفته‌اند آمریکا به خاطر گروگان‌هایی که در دست مردم لبنان دارند، تحت فشار است و مایل است برای حل مشکل از ایران استمداد کند، گرچه ما گروگانگیرها را نمی‌شناسیم اما گفتیم اگر چنین درخواستی شد درباره آن و راهکار ممکن مشورت کنیم.»

درجست‌وجوی سلاح

هاشمی رفسنجانی به‌عنوان فرمانده عالی جنگ در ارتباط مستقیم با جریانات مربوط به تهیه سلاح بود چنان که در مقدمه خاطراتش خود می‌نویسد:«از اوایل سال زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید که در آمریکا جریانی به وجود آمده که سیاست تامین سلاح برای ایران را دنبال می‌کند. با این استدلال که نگذارند ایران از اتکا به سلاح آنها بی‌نیاز شود».(امید و دلواپسی، پیشین، ص۱۹) در این فرآیند یکی از دلال‌هایی که مطرح می‌شود، منوچهر قربانی‌فر بود که از طریق تماس با محسن کنگرلو، مشاور امنیتی میرحسین موسوی (نخست وزیر وقت) وارد جریان می‌شود.

کنگرلو در سال ۱۳۶۲ در ارتباط با یک موضوع برون مرزی به‌واسطه یک ایرانی مقیم پاریس با قربانی‌فر آشنا می‌شود و چون کار با موفقیت به سرانجام می‌رسد اطمینان کنگرلو را جلب می‌کند، لذا از وی می خواهد درصورتی‌که کانال‌هایی در اروپا در زمینه تامین سلاح مورد نیاز ایران ازجمله موشک‌های تاو و تجهیزات و قطعات یدکی دارد در این زمینه همکاری کند. قربانی‌فر با برخی دلالان بین‌المللی سلاح ازجمله یعقوب نیمرودی، عدنان خاشقچی، آدولف شویمر و ... آشنا بود. قربانی‌فر در تلاش تهیه تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز ایران موضوع را با دیگر دلالان در میان گذاشت و آنان این امر را با لحاظ شرایطی شدنی دانستند و به قربانی‌فر پیشنهاد کردند از طریق اسرائیلی‌ها به آمریکایی‌ها نزدیک شود زیرا تنها راه دریافت چنین سلاح‌هایی از طریق خود آمریکایی‌هاست و تسلیحات مورد نیاز را نمی‌توان در بازارهای بین‌المللی یافت.

پانزدهم جولای ۱۹۸۵ ملاقاتی بین قربانی‌فر و رئیس سابق موساد برگزار و موضوع با لدین (مشاور مک فارلین) در میان گذاشته می‌شود تا در قبال فروش تعدادی سلاح، آزادی گروگان‌ها صورت بگیرد. قربانی‌فر دیگر واسطه‌ها را از طریق اسرائیل به سمت شورای امنیت ملی آمریکا سوق می‌دهد و سپس از آن طریق رئیس‌جمهور آمریکا هم در جریان قرار می‌گیرد.

کنگرلو به قربانی‌فر می‌گوید شما یک واسطه هستید و مجازید به هر طریقی این کالاها را تهیه کنید و ما هم از خود شمامی خریم.به‌طورکلی کنگرلو در برابر پیشنهادهای مبنی بر تهیه تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز ایران گوشزد می‌کند که تجهیزات و درخواست‌های نظامی را در برابر پرداخت پول می‌خواهیم و به این کاری نداریم که شما از کجا تهیه می‌کنید اما تحت هیچ شرایطی از طریق رژیم صهیونیستی نباشد چراکه با آرمان‌های انقلاب و سیاست خارجی مامخالف است. هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های چهارم خرداد خود می‌نویسد: «... آقایان محسن کنگرلو و احمد وحیدی، مسئول اطلاعات سپاه آمدند گزارش وضع هیات آمریکایی را دادند. یک چهارم قطعات هاک درخواستی را آورده‌اند. آقای مک فارلین، مشاور ویژه ریگان و شخصیت‌های حساس دیگر آمریکا در هیات هستند. برای سران کشور ما کلت و شیرینی هدیه آورده‌اند و خواهان ملاقات با سران هستند. قرار شده هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم....»

اولین جرقه‌های شکل‌گیری درخواست آمریکایی‌ها برای کمک به آزادی گروگان‌ها مطرح می‌شود

تهیه سلاح و آزادی اولین گروگان

قربانی‌فر با توجه به مذاکرات صورت‌گرفته با کنگرلو درخواست طرف‌های ایرانی را به شویمر ارائه کرد و وی نیز از طریق لدین این درخواست را به اطلاع مک‌فارلین رساند. درخواست متضمن این بود که رابطین آنها در ایران می‌توانند آزادی هفت گروگان آمریکایی در بیروت را به‌دست‌آورند ولی در مقابل خواستار دریافت تسلیحات هستند. مک فارلین این پیشنهاد را با رئیس‌جمهور مطرح کرد. در همان حالی که ریگان به گونه‌ای علنی از عدم سازش با گروگان‌گیرها دم می‌زد، مقامات رسمی آمریکا به‌طور پنهان در تلاش فروش سلاح بودند.

۲۰ آگوست ۱۹۸۵ (۸ شهریور ۱۳۶۴) یکصد موشک تاو به ایران ارسال شد و پس از آن در ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور) دومین محموله که ۴۰۸ موشک تاو دیگر بود به ایران ارسال شد. این موشک‌ها براساس تاکید ریگان از انبارهای اسرائیل تامین شد و در ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور) یکی از پنج گروگان به‌نام بنجامین وییر آزاد می‌شود. پس از آزادی اولین گروگان، آمریکایی‌ها علاقه بیشتری به موضوع نشان داده و با شدت بیشتری موضوع را پیگیری کردند. در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵ (۴ آذر ۶۴) هواپیمایی از یک کشور اروپایی ۱۸ قبضه موشک هاک به ایران می‌آورد. در این زمان با توجه به مارک اسرائیل موشک‌های ارسالی با وجود نیاز شدید ایران به این سلاح‌ها، هاشمی رفسنجانی اجازه نداد که این اقلام از فرودگاه ترخیص شوند و ماه‌ها این موشک‌ها در فرودگاه باقی ماند تا این‌که عودت داده شد و پول آنها نیز پرداخت نشد.

این اقدام آمریکایی‌ها موجب شد که سوءظن‌ها تشدید و وقفه‌ای در کار ایجاد شود و در نتیجه تا مدتی نه تجهیزاتی ارسال و نه گروگانی آزاد شد. در این شرایط با توجه به مشکلات پیش‌آمده و توقف در روند طرح مدیران عملیات در شورای امنیت ملی آمریکا پس از ارسال محموله‌های شهریور و آزادی یکی از گروگان‌ها تصمیم گرفتند تا مستقلا و با حذف واسطه‌ها کارها انجام شود از این مرحله به بعد نقش اولیور نورث پررنگ‌تر می‌شود.

در ۳۰ نوامبر ۱۹۸۵ (۹ آذر۶۴) رابرت مک فارلین از مقام خود استعفا کرد. در همان روز استعفای مک فارلین، اولیور نورث پیشنهاد جدیدی مبنی بر تحویل۳۳۰۰ موشک تاو و ۵۰ فروند هاک در مقابل آزادی گروگان‌ها دریافت کرد. ریگان به مک فارلین ماموریت داد تا برای دادن پیامی به واسطه‌ها و رابط‌های ایران به لندن برود. مک فارلین در گزارشی تاکید کرد پس از آن‌که وی از بحث درباره ارسال اسلحه به ایران امتناع ورزیده گفت‌وگوها به بن‌بست کشیده شد.

حضور مک فارلین در تهران

ارتباط منوچهر قربانی‌فر با پنتاگون از طریق ژنرال اولیور نورث از مسئولان اطلاعاتی پنتاگون بود. مارس ۱۹۸۶ نورث و قربانی‌فر همدیگر را در پاریس دیدند. قربانی‌فر در این دیدار فهرستی از ۲۴۰ نوع اسلحه و قطعات تسلیحاتی را که فکر می‌کرد مورد نیاز ایران است به نورث داد. نورث به عنوان خریدار واسط به جان پویندکستر، مشاور امنیتی ریگان خبر داد زمان مناسب برای پرواز به تهران فرا رسیده‌است. قرار شد انجام این کار به عهده رابرت مک فارلین باشد. روز ۲۳ می ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) مک فارلین و اولیور نورث همراه با چهار آمریکایی دیگر که احتمالا مامور سیا بودند، به همراه یک دلال اسرائیلی راهی ایران شدند. قربانی‌فر خبر ورود هواپیما و هیات آمریکایی را به مقامات ایران داده‌بود. مک فارلین و هیأت همراه با گذرنامه ایرلندی به نام شون دولین وارد تهران شدند. هواپیمای آمریکایی به پایگاهی نظامی منتقل شد و مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهور و چهار همراه سه ساعت و نیم در فرودگاه مهرآباد تحت نظر نیروهای ویژه سپاه بودند. این هیأت مورد استقبال هیچ مقام عالی‌رتبه ایرانی قرار نگرفت و پس از چند ساعت معطلی در هواپیما و فرودگاه به هتل آزادی منتقل شدند. همراهان مک فارلین، الیور نورث، هوارد تیچر، امیر ام نیر، جورج کیو، و فردی متخصص امور فنی، مخابرات و پشتیبانی معرفی شده‌بودند و اعضای تیم مذاکره‌کننده ایرانی فریدون وردی نژاد، از مسئولان حفاظت اطلاعات سپاه، نجفی، مصطفوی، سمیعی و کنگرلو بودند. مک فارلین خواستار دیدار با سران سه قوه بود ولی ایرانی‌ها هیچ کدام علاقه‌ای به گفت‌وگو نداشتند. هیات آمریکایی سه قبضه کلت، برای سران سه قوه، و یک کیک که به شکل کلید بود به همراه داشتند. قرار بود کیک کلیدی شکل در ضیافتی با مقامات ایرانی خورده شود و کلید قفل روابط دو کشور ایران و آمریکا باشد.

واکنش ایران به افشای سفر مک فارلین

پس از انتشار گزارش روزنامه لبنانی «الشراع» آقای هاشمی رفسنجانی با توصیه امام خمینی در مراسم ۱۳آبان در جمع دانشجویان به تشریح سفر مک فارلین و همراهانش به ایران.که بحران بزرگی برای دولت آمریکا ایجاد کرد.پرداخت.

روز اول آذر، هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با طرح سوالی از وزیر خارجه، خواستار توضیح وی درباره این ماجرا شدند؛ اما بیانات امام در این باره سبب شد آنها سؤال خود را پس بگیرند. امام خمینی در این باره فرمودند: «من امیدوارم شما توجه کنید به دنیا، توجه کنید به قدرت خودتان، نشکنید این قدرت را، دل ملت را نشکنید، هی تندرو، کندرو درست نکنید، دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است. ...رئیس‌جمهور آمریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد و کاخ سفید تبدیل به کاخ سیاه شود گرچه همیشه بوده‌است.»

برش

در مذاکرات دو طرف چه گذشت؟

بر اساس گزارش نشریه داخلی اداره سیاسی سپاه، در اولین دور مذاکرات که به مدت دوساعت برگزار شد، مک فارلین حضور خود در ایران را به منظور ایجاد پل ارتباطی بین دو کشور و خطر شوروی اعلام کرد و گفت آمریکا آمادگی دارد برای تامین برخی اقلام مورد نیاز به ایران کمک کند. بنابراین گزارش، در دور دوم مذاکرات که به مدت نیم ساعت برگزار شد، مک فارلین اعلام کرد من در سطح وزیر هستم و انتظار دارم با مقامات تصمیم گیرنده ملاقات کنم در غیر این صورت می‌توانید با کارمندان من صحبت کنید. ملاقات بعدی یعنی دور سوم مذاکرات بدون حضور مک فارلین با دیپلمات‌های ایرانی انجام شد و شش ساعت طول کشید. در این جلسه بعد از بحث‌های طولانی جلسه بدون هیچ توافقی به پایان رسید. در پایان جلسه هوارد تیچر برای جلب نظر طرف ایرانی، بخشی از تهدیدات شوروی سابق علیه ایران نظیر استقرار ۲۶ لشکر در همجواری مرزهای ایران را یادآور شد و به نقل از مک فارلین اعلام کرد:«بارئیس مجلس آقای رفسنجانی، آقای موسوی نخست‌وزیر و رئیس جمهور ملاقات خواهدکرد. آیا می‌توانیم ترتیب یک ملاقات سری میان مک فارلین و رهبران شما را بدهیم.» سرانجام درخواست آمریکایی‌ها به امام و مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی منتقل و ادامه مذاکرات تحت تاثیر نظر امام (ره) قرار گرفت که پس از شنیدن گزارش فرموده‌بودند: «هیچ یک از مسئولان با آنها مذاکره نکنند.» به عقیده کارشناسان، به نظر می‌رسد این حرکت آمریکایی‌ها در چارچوب ترسیم تصویری دوگانه از سیاست جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت و امام (ره) با علم به این نکته مقامات جمهوری اسلامی را از مذاکره با هیات آمریکایی منع کردند. طی چهارمین و پنجمین دور گفت‌وگوها پیرامون موضوعاتی همانند راهکارها و موانع آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، فروش سلاح به ایران، تهدیدات احتمالی شوروی سابق علیه ایران و پشتیبانی آن از عراق در جنگ و نحوه خاتمه جنگ و... تبادل نظر شد. در دور ششم مذاکرات به علت عدم دستیابی به نتیجه دلخواه برای هیات آمریکایی و ابراز تمایل آنها برای بازگشت، در حالی که هیات آمریکایی پیش‌نویس پیشنهاد خود برای تکامل تدریجی روابط را تسلیم کرده بودند، گذرنامه خود را دریافت کردند. در آخرین دور گفت‌وگو که در روز هفتم خرداد ۱۳۶۵ برگزار شد، مک فارلین با اظهار تاسف به این‌که فرصت مهمی را از دست داده‌است، بر شکست تاکتیک فشار و دیپلماسی و حربه چماق و هویج واشنگتن در قبال ایران در این واقعه، مهر تایید زد.





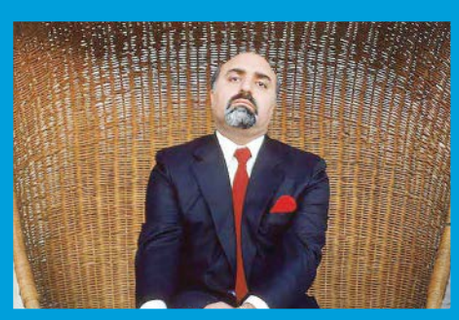

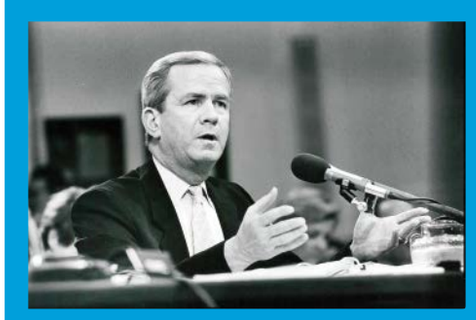

ذره‌بین

چالش ریگان

اندکی پس از سخنرانی هاشمی‌رفسنجانی در ۱۳ آبان تمام خبرگزاری‌های جهان موضوع جدید را پیگیری کردند و روزبه‌روز حجم تبلیغات و سخن‌پراکنی در این خصوص افزایش می‌یافت و جزئیات جدیدی از ارتباط بین مقامات ایرانی و آمریکایی در چند ماه گذشته فاش می‌شد، به گونه‌ای که این مسأله پس از «واترگیت»، رسوایی تقلب در انتخابات آمریکا، به رسوایی بزرگ برای مقامات آمریکایی تبدیل شد. این رسوایی دومین رسوایی بزرگ سیاسی ـ تاریخی آمریکا محسوب می‌شد و ایران‌گیت یا رسوایی ارتباط با ایران لقب‌گرفت. در پی افشاگری های آقای هاشمی رفسنجانی و با این‌که مک فارلین به دنبال گزارش الشراع سفر به ایران را تکذیب کرده بود، شبکه تلویزیونی ای بی سی» به نقل از منابع دولتی ایران اعلام کرد:«رابرت مک فارلین اخیرا به منظور ارائه پیشنهاد قطعات یدکی تسلیحات امریکایی به ایران یک ماموریت سری به تهران انجام داده است. ماموریت مشاور سابق ریاست جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی در چارچوب تلاش‌هایی به منظور آزادسازی گروگان‌های امریکا انجام گرفته است. «ای بی سی» افزود: ماموریت مزبور توسط مسئولان شورای امنیت ملی در کاخ سفید سازماندهی شده و تعداد کمی از اعضای دولت از آن آگاه بودند بر اساس این گزارش سرهنگ اولیور نورث کارشناس ضد تروریسم در شورای امنیت ملی آمریکا این ماموریت را سازماندهی کرده است از سوی دیگر کاخ سفید تا به حال از هرگونه اظهار نظر درباره گزارش های مربوط به سفر مک فارلین به ایران خودداری کرد و شب هنگام تاکید کرد تحریم فروش سلاح آمریکایی به ایران کماکان پا برجاست.



گرچه روز ۱۷ آبان مک‌فارلین سفر مخفیانه خود به تهران را دروغ و خیالبافی خواند ولی با افشای تدریجی رسوایی حاصل از این سفر و اعتراض وزارت خارجه ایران، ناچار شد به‌تدریج به آن اعتراف کند. روز ۱۸ آبان وی اصل سفر را تایید کرد ولی مدعی بود این سفر برای توافق با مقامات ایران جهت توقف تروریسم، مذاکره برای خاتمه جنگ و همکاری برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان به‌عنوان سه شرط برای برقراری روابط میان واشنگتن و تهران انجام شده است! روز ۱۹ آبان اخبار بیشتری در مطبوعات آمریکا علیه دولت ریگان انتشار یافت. نیویورک‌تایمز نوشت: اعتبار آمریکا خدشه‌دار شده است. روز ۲۲ آبان ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا در نطق تلویزیونی نکاتی را در ارتباط با سفر نافرجام مک‌فارلین به ایران فاش ساخت و همزمان مک‌فارلین در یک مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا سفر خود به تهران را تأیید کرد.

سرانجام ریگان، رئیس جمهور آمریکا پس از ۱۰ روز از افشای سفر یک هیات آمریکایی به ایران پنجشنبه‌شب ۲۲ آبان ۱۳۶۵ (۱۳ نوامبر ۱۹۸۶) در یک نطق تلویزیونی درباره ارتباط با ایران، ارسال سلاح به ایران، گروگان‌های آمریکایی در لبنان، اهمیت ژئوپلیتیک ایران و جنگ عراق و ایران سخنانی ایراد کرد و از اقدامات خود در این زمینه دفاع کرد.

وی دلایل مذکور را تجدید روابط با کشور ایران، تحقق خاتمه جنگ شش‌ساله بین ایران و عراق، محوکردن تروریسم دولتی و خرابکاری تاثیر در امر بازگشت تمامی گروگان‌ها از لبنان دانست و گفت: بدون همکاری ایران ما قادر به خاتمه‌بخشیدن به جنگ خلیج‌فارس نیستیم و بدون رضایت ایران امکان برقراری یک صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد.

ریگان افزود هدف من متقاعدکردن تهران به این بود که مقامات مذاکره‌کننده آمریکایی با اجازه من عمل می‌کنند و هدف این بود تا به ایران علامت دهیم که آمریکا آماده است خصومت بین ما جای خود را به یک روابط و مناسبات جدید بدهد.

این تحویل اندک تسلیحات در مجموع می‌تواند در یک فروند هواپیمای باری جای بگیرد و تمامی این تسلیحات در مجموع نمی‌تواند تاثیری بر نتیجه جنگ شش‌ساله بین ایران و عراق داشته باشد و همچنین نمی‌تواند به هیچ‌وجه در تعادل نظامی بین دو طرف تاثیری داشته باشد در همان حال که ما این ابتکار را مد نظر قرار دادیم.

پیشرفت‌هایی قبلا به دست آمده بود. از زمانی که دولت آمریکا با ایران در تماس قرار گرفته است هیچ‌گونه شواهدی دال بر این که دولت ایران در اقدامات تروریستی علیه آمریکا همدستی کرده باشد وجود ندارد. گروگان‌ها به کشور بازگشته‌اند و ما از تلاش‌هایی که دولت ایران در گذشته اتخاذ کرده و درحال حاضر مد نظر قرار می‌دهد استقبال می‌کنیم.